



کد ۲۰۶

کارکرد مهندسی ارزش با استقرار سیستم جامع مدیریت دانش در بازار سرمایه

مهدی خلیلی بندپی^۱، احمد داداشپور عمرانی^۲، مهدی پور مصطفی^۳

۱. دانشجوی کارشناس ارشد مهندسی صنایع دانشگاه علوم و فنون مازندران

mehdikhalilii@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناس ارشد مهندسی مالی دانشگاه رجاء قزوین

Dadashpoor.ie@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناس ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه اصفهان

mpormostafa@gmail.com

چکیده

امروزه، کارکرد های مهندسی ارزش و کاربرد های آن در سازمان ها به سرعت در حال گسترش است. در ایران نیز چند سالی است که مدیران سازمان ها تا حدودی با مفاهیم مرتبط با مهندسی ارزش آشنا شده اند، اما تاکنون اقدامات کلانی در زمینه پیاده سازی آن در اکثر سازمان های ایرانی انجام نشده است. با توجه به اینکه بازار سرمایه از بخش های حیاتی اقتصاد کشورهاست و همواره به شکل سازمان یافته تری در اقتصادکشورها حضور دارد و نقش آن در زمینه توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است، لذا توجه به کارکرد های مهندسی ارزش در آن از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به اینکه مدیریت دانش به عنوان یکی از تکنیک های مهندسی ارزش در خلق ارزش مطرح می باشد در این مقاله سعی می شود باهدف تشریح نقش مدیریت دانش در ایجاد مکانیزم های لازم در خلق ارزش برای بازار سرمایه، با دید سیستمی، ابتدا به تشریح دانش به عنوان منبع ارزش پرداخته و در ادامه با نشان دادن ارتباط مدیریت دانش با مدیریت دارایی های دانشی استراتژیک، نقش مدیریت دانش را در بهبود عملکرد فرایند ها در بازار سرمایه روشن سازد و در نهایت با استفاده از مدل زنجیره ارزش دانش، تلاش می شود یک مکانیزم جهت استقرار و پیاده سازی سیستم جامع مدیریت دانش در بازار سرمایه ایران ارائه شود تا به کمک آن گامی مهم در جهت ظرفیت سازی برای ایجاد ارزش در فرایند ها و مبادلات بازار سرمایه برداشته شود تا سرمایه گذاران را هر چه بیشتر به سمت این بازار سوق دهد.

کلمات کلیدی: مهندسی ارزش، بازار سرمایه، سیستم جامع مدیریت دانش، خلق ارزش





مقدمه

مهندسی ارزش اولین بار در زمان جنگ جهانی دوم با نام تحلیل ارزش توسط لارنس مایلز در کارخانه جنرال الکتریک آمریکا مطرح شد. هدف مایلز از ابداع این روش یافتن مواد اولیه جایگزین منابع محدود موجود برای خطوط تولید شرکت بود. در سالیان بعد این روش به سرعت گسترش و بهبود یافت و اکنون با نام های مهندسی ارزش، مدیریت ارزش و متدولوژی ارزش در سراسر جهان شناخته شده است [1]. مهندسی ارزش کوششی سازمان یافته و گروهی برای تحلیل کارکرد سیستمها، تجهیزات و پروژه ها به منظور دسترسی به راهکارهایی نوین و خلاقانه برای تحقق کارکردهای پایه پروژه ها با حداقل صرف منابع است به گونه ای که راه حل ارائه شده منطبق بر معیارهای کیفی، ایمنی و زیست محیطی مصوب باشد. به بیان دیگر مهندسی ارزش یک روش خلاقانه حل مساله است که برمحور تحلیل کارکردهای پروژه مورد نظر استوار است. استفاده و توجه به مهندسی ارزش لزوماً به معنای نادرست دانستن ایده اولیه و یا عدم کفایت مطالعات مشاور اصلی طرح نمی باشد، بلکه تاکید بر این نکته است که همواره شرایط فنی، اقتصادی و تکنولوژیکی یافت می شود که در آن شرایط دسترسی به ارزش بالاتر میسر است [2]. یکی از دلایل موفقیت مهندسی ارزش که منجر به اهمیت روزافزون این روش گردیده نرخ بالای بازگشت سرمایه در روش مذکور می باشد. در یک بررسی که اخیراً توسط انجمن مهندسين ارزش آمریکا در مورد 26 برنامه مهندسی ارزش به عمل آمده، مشخص گردید که هر دلار مصرف شده در مهندسی ارزش 27 دلار صرفه جویی در هزینه های پروژه به همراه دارد. یا به عبارت دیگر بازگشت های سرمایه 27 به 1 به صورت عادی اتفاق می افتد [3]. سابقه اجرایی مهندسی ارزش در ایران حدود یک دهه است اما در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قانون گذار نسبت به ضرورت به کارگیری آن در پروژه ها تصریح کرده است و از سال 1378 موضوع مهندسی ارزش در برخی دانشگاه ها، وزارت نفت و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مطرح گردید و سمینارهایی در این زمینه برگزار گردید. با توجه به اینکه بازار سرمایه به عنوان یک موسسه مالی ارزشمند برای سرمایه گذاران مطرح است. لذا بستر ذهنی نسبتاً مناسبی در فضای عمومی جامعه ساخته شد که به تدریج سرمایه گذاران بخش خصوصی را آماده ورود به ساحت جدیدی به نام «بازار سرمایه» کرد. برای افزایش کارایی و اثربخشی در بازار سرمایه و اطمینان از ارائه مطلوب سهام و خدمات به سهام داران و سرمایه گذاران، کسب رضایت آنان و بهبود فرایند مبادلات سهام، باید زمینه لازم را برای ایجاد رویکرد مهندسی ارزش در آن فراهم ساخت بنابراین مدیریت دانش به عنوان یکی از تکنیک های خلق ارزش جزء لاینفک مدیریت سرمایه گذاری در بازار سرمایه برای کارگزاران و سهامداران است [4]. مدیریت دانش رویکردی برای افزودن یا ایجاد ارزش، به واسطه به کارگیری فعالانه تر دانش فنی و قضاوت ایجاد شده در درون سازمان و در بیشتر موارد در خارج از سازمان است [5]. با توجه به اینکه خلق ارزش بعنوان یکی از برترین معیارهای ارزیابی عملکرد داخلی بازار سرمایه می باشد، که نقش مهمی در جذب سهامداران و مشتریان بازار بورس دارد. لذا در این مقاله سعی می شود مکانیزمی جهت استقرار و پیاده سازی سیستم جامع مدیریت دانش برای خلق ارزش در فرایند های بازار سرمایه ارائه شود تا در نهایت گامی مهم در راستای تعالی سازمانی و بهبود کارایی و اثربخشی بازار سرمایه به عنوان یک سازمان دانش محور باشد.

کارکرد مهندسی ارزش با رویکرد مدیریت دانش در سازمان ها

مهندسی ارزش بر مبنای تحلیل کارکردهای یک سیستم با دیدی خلاق، پویا و جامع در جهت بهینه سازی کارکردهای آن سیستم حرکت می کند که در این راستا از تکنیک ها و ابزار های مختلفی استفاده می کند که مدیریت دانش به عنوان یکی از این ابزار ها در آن مطرح است. امروزه دانش مهمترین دارایی سازمان ها محسوب می شود. مدیریت دانش، فرایند گسترده ای است که امر شناسایی، سازماندهی، انتقال و استفاده صحیح از اطلاعات و تجربیات داخلی سازمان را مورد توجه قرار می دهد. هدف مدیریت دانش، بهینه سازی دانش سازمانی است که به اثر بخشی و بازدهی دارایی های دانشی و تجدید آنها به صورت مداوم مربوط می شود [6]. و نیازمند توسعه قابلیت های پویا (قابلیت درک سریع





واستادانه فرصت ها) است [7]. مدیریت دانش، رویکردی برای افزودن ارزش، به واسطه به کارگیری فعالانه تر دانش فنی و قضاوت ایجاد شده در درون سازمان و در بیشتر موارد در خارج از سازمان است [8]. مدیریت دانش رویکرد پویایی است که به طور بهینه، مدیریت دانش کسب و کار را برای ایجاد ارزش، مورد هدف قرار می دهد و هنر آن خلق ارزش از دارایی های ناملموس سازمان است [9].

امروزه سازمان ها و شرکت ها با چهار مفهوم زیر سروکار دارند:

- مأموریت: آنچه که سعی دارند انجام دهند
- رقابت: نحوه رسیدن به بخش های رقابتی
- کارایی: نحوه تحویل نتایج
- تغییر: نحوه مقابله با تغییرات

مدیریت دانش می تواند توانایی سازمان ها و شرکت ها را در انجام چهار مفهوم فوق بهبود بخشد. به عبارتی می توان گفت مدیریت دانش رویکرد سیستماتیک خلق، دریافت، سازماندهی، دستیابی و استفاده از دانش و آموخته ها در سازمان ها است. مدیریت دانش در سازمان ها و شرکت ها به بهبود تصمیم گیری، انعطاف پذیری بیشتر، افزایش سود، کاهش بار کاری، افزایش بهره وری، ایجاد فرصت های جدید کسب و کار، کاهش هزینه، سهم بازار بیشتر و بهبود انگیزه کارکنان و در نهایت خلق ارزش کمک می کند. در نهایت فرایند مدیریت دانش سازمانی را می توان در مراحل زیر خلاصه کرد:

- « فرایند ایجاد، تسهیم و تقویت یادگیری سازمانی
- « میسر کردن زمینه های توزیع، تسهیم و استفاده از دانش سازمانی
- « ایجاد ساختارهایی موثر به منظور حفظ و انسجام بخشیدن به دانش سازمان (به منظور تقویت حافظه سازمانی)
- « استفاده مجدد از دانش سازمانی بازایی شده و بهنگام کردن حافظه سازمانی

نقش بازار سرمایه در اقتصاد ایران

بازار سرمایه امروزه از بخش های حیاتی اقتصاد کشورهاست که با رشد و توسعه اقتصاد همواره این بازار جایگاه گسترده تر و مهمتری یافته است. بازار سرمایه همواره به شکل سازمان یافته تری در اقتصاد کشورها حضور دارد و نقش آن در زمینه توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. بازار سرمایه با هدایت سرمایه ها و پس انداز مردم راه توسعه و ایجاد شغل و افزایش سطح رفاه عمومی را هموار می کند. در ایران به دلایل گوناگون از جمله اقتصاد نفتی بازار سرمایه همواره ضعیف و ناتوان بوده است و تنها در سال های اخیر است که توجه به آن افزایش یافته و با سیاست های اعمال شده شاهد رشد و توسعه آن از نظر فیزیکی و جذب سرمایه هستیم. مبانی نظری در زمینه عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی از طریق فرایند پس انداز- سرمایه گذاری بر وجود رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و توسعه بازارهای مالی تأکید می کنند. در ایران بخش مالی در دو بازار پول و بازار اوراق بهادار هویدا می شود. به روشنی پیداست که در اقتصاد ایران دو کفه بازار پول و سرمایه به نفع بازار پول سنگینی می کند. ناتوانی بازار سرمایه در جذب سرمایه گذاران، نبود قوانین با پشتوانه اجرایی، فقدان انضباط و ثبات مالی در کشور و جهت گیری های حمایتی دولت به سمت بخش دولتی باعث شده است که بازار سرمایه ایران دورتر از پتانسیل های واقعی خود ایفای نقش نماید. بنابراین با توجه به اینکه بازار سرمایه هنوز در مرحله نوزایی است، میتوان با تدوین نظام دانشی حقوقی کارآمد و قوانین مؤثر، ایجاد ثبات و امنیت در سیاست گذاری، تسهیل نوآوری های مالی و طراحی ابزارها و نهادهای مالی لازم در کشور، تعمیق دانش سرمایه گذاری نزد دست اندرکاران بازار سرمایه





نهایتاً زمینه گسترش فرهنگ سهامداری نزد خانوار ایرانی را فراهم کرد، تا شاهد شکل گیری فرایند پایدار (پس انداز- سرمایه گذاری- توسعه اقتصادی) در کشور باشیم.

چالش های بازار سرمایه و ضرورت رویکرد دانشی جهت خلق ارزش

در دنیای رقابتی و پر چالش امروزی بازار سرمایه نیز مانند سایر موسسات و بازارهای مالی با مشکلات و مسائل مختلفی دست به گریبان است که هر یک از آن ها به عنوان یک عامل کاهنده ارزش مطرح می باشد. در زیر به برخی از این چالش ها در بازار سرمایه ایران اشاره می شود:

- نبود قانون جامع بازار سرمایه
- نبود ساختار سازمانی بازار سرمایه و نهاد متولی بازار سرمایه
- تا حدودی شفاف نبودن اطلاعات مالی شرکت های بورسی
- مغایرت قوانین مالیاتی با قانونین تجارت و کار
- مشخص نبودن سیاست کلان در ارتباط باحد سرمایه گذاری بخش خصوصی
- نبود قانونی مدون در مورد امنیت سرمایه و سرمایه گذاران داخلی
- کندی واگذاری سهام شرکتهای دولتی به مردم و بخش خصوصی
- نبود تنوع در اوراق بهادار
- نبود قانون مالیاتهای پویا در حمایت از بازار سرمایه و شرکت های پذیرفته شده در بورس
- نبود سیستم جامع پشتیبان تصمیم در بازار سرمایه
- نبود سیستم کارآمد آموزش سهامداران
- نبود پایگاه داده جامع تحقیقات مرتبط با بازار سرمایه
- نبود سیستم مدیریت ارتباط با سهامداران
- استفاده ضعیف از فناوری اطلاعات در روند معاملات

با توجه به هر یک از عوامل بالا ضرورت توجه به رویکرد های جدید مدیریتی امری اجتناب ناپذیر است. در این میان مدیریت دانش برای بازار سرمایه، مزیت رقابتی ایجاد می کند و به آن، امکان حل مسائل و تصرف فرصتهای جدید را می دهد. بنابراین دانش نه فقط یک منبع مزیت رقابتی خواهد شد بلکه در واقع تنها منبع آن می گردد. هنگامی که منابع دانش یک سازمان مورد بهره برداری قرار می گیرد، سازمان شاهد ارتقاء و افزایش پویایی و ارزش موجود در کسب و کار می شود. مهمترین پرسش در دنیای رقابتی امروز این است که دانش موجود در هر سازمان را چگونه می توان شناسایی کرد و از آن به بهترین نحوه بهره جست. ایجاد سیستم های مدیریت دانش یکی از مهمترین راهکارهای بهبود سطح دانش در هر سازمان جهت خلق ارزش شمرده میشوند[4]. که سبب کاهش هزینه ها و بهبود کیفیت، بهره وری و سودمندی سازمان می شود.





نقش مدیریت دانش در بهبود عملکرد فرایند های بازار سرمایه

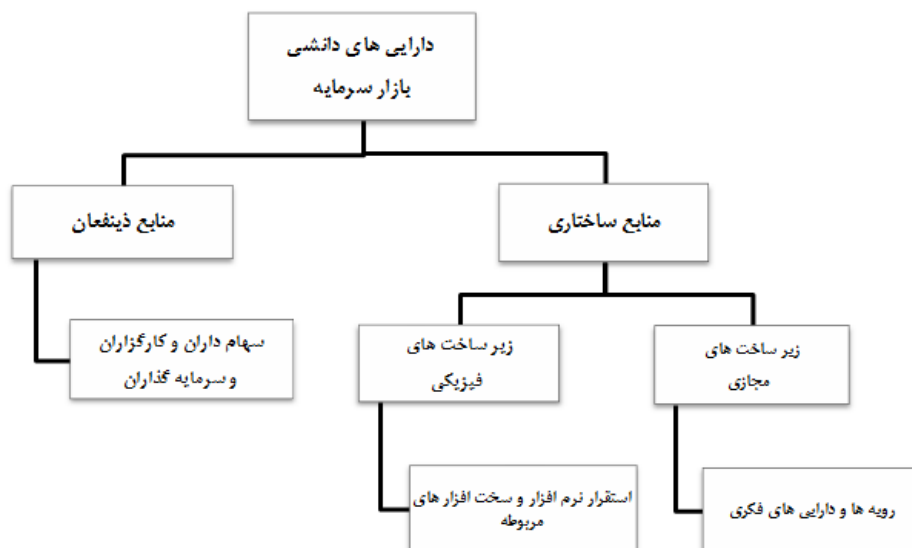
در اقتصاد دانش محور، موفقیت بنگاه بستگی به توسعه، گسترش، حفظ و تجدید دانش و در نتیجه شتاب دادن آن به بازار براساس یک جریان سریع و مداوم که منجر به بهبود محصولات و خدمات می شود، دارد. لذا دانش به عنوان یک منبع دارای ارزش، به عنوان دارایی فکری یا سرمایه فکری یک بنگاه شناخته می شود [10]. مزیت رقابتی، به طور فزاینده به عنوان مسیری که در آن، بنگاه ها با عامل دانش سروکار دارند، معرفی می شود به طوری که آینده بنگاهها، بیشتر و بیشتر، بستگی به قابلیت آنها برای تبدیل دانش به ارزش افزوده است [11]. باتوجه به مسئله ساز بودن محاسبه ارزش دارایی های دانشی و همچنین تخمین بازده سرمایه گذاری در آنها و دو بعد غیرمستقیم بودن و بلند مدت بودن خلق ارزش در دارایی های دانشی، ارزیابی دانش و فعالیت های مدیریت دانش، پیچیده شده است [12]. لذا در صورتی که سازمان ها ارزش دانش و اهمیت مدیریت آن را شناسایی کنند، قادرند تا بازده سرمایه گذاری در دانش را ارزیابی و در نتیجه ارزش ایجاد شده توسط فعالیت های مدیریت دانش را در قالب تأثیرش بر عملکرد بنگاه تخمین بزنند [13].

با توجه به آنچه اشاره شد کارکرد های مدیریت دانش به عنوان یک رویکرد نوین در خلق ارزش در بازار سرمایه بررسی پوشیده نیست. اما قبل از هر گونه پیاده سازی و استقرار سیستم مدیریت دانش در بازار سرمایه باید به پرسش های زیر پاسخ داده شود تا زمینه برای بهبود تعالی سازمانی در بازار سرمایه فراهم شود.

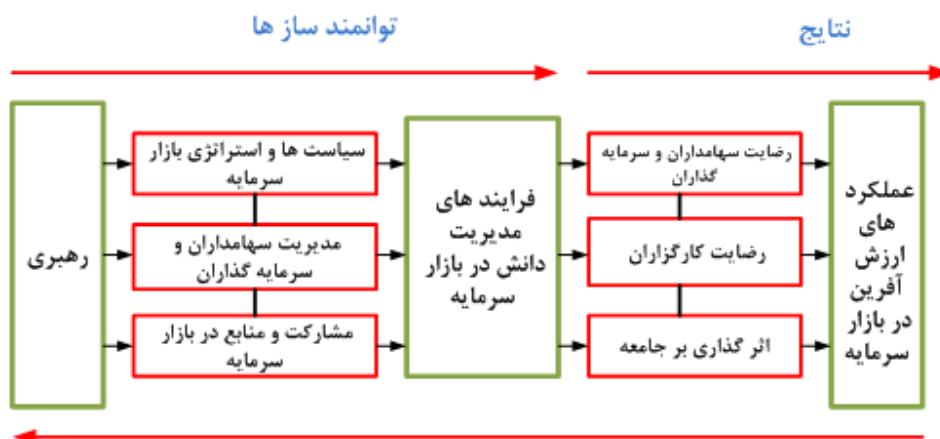
- چگونه بازار سرمایه برای ذینفعانش، ارزش ایجاد می کند.
- پیشنهاد بازار سرمایه در ایجاد ارزش برای سهامداران چقدر است.
- بازار سرمایه، چه فرایند هایی را باید برای دستیابی به ارزش برتر برای سهامداران و سرمایه گذاران، در اولویت قرار دهد.
- بازار سرمایه چگونه می تواند به خلق ارزش برای ذینفعان خود، ادامه دهد.

شکل ۱ نقشه دارایی های دانشی در بازار سرمایه را به تصویر کشیده و شکل ۲ ارتباط مدیریت دانش و دارایی های دانشی با تعالی سازمانی و عملکرد های ارزش آفرین در بازار سرمایه را روشن می سازد. توانمندکننده ها و نتایج، نظارت بر پیشرفت سازمان را در جریان دستیابی به مزیت برتر تعالی پایدار، امکان پذیر می سازند. عملکرد سازمانی بهینه در جریان مدیریت دانش در انطباق با فرهنگ یادگیری مداوم، نوآوری و بهبود، محقق می شود. در نتیجه مدیریت دانش به عنوان محرک اساسی برای پیشرفت توانمندکننده ها که نتایج کسب و کار را تعیین می کنند، شناخته می شود.





شکل ۱. نقشه دارایی های دانشی بازار سرمایه



شکل ۲. ارتباط مدیریت دانش و دارایی های دانشی با عملکرد های ارزش آفرین

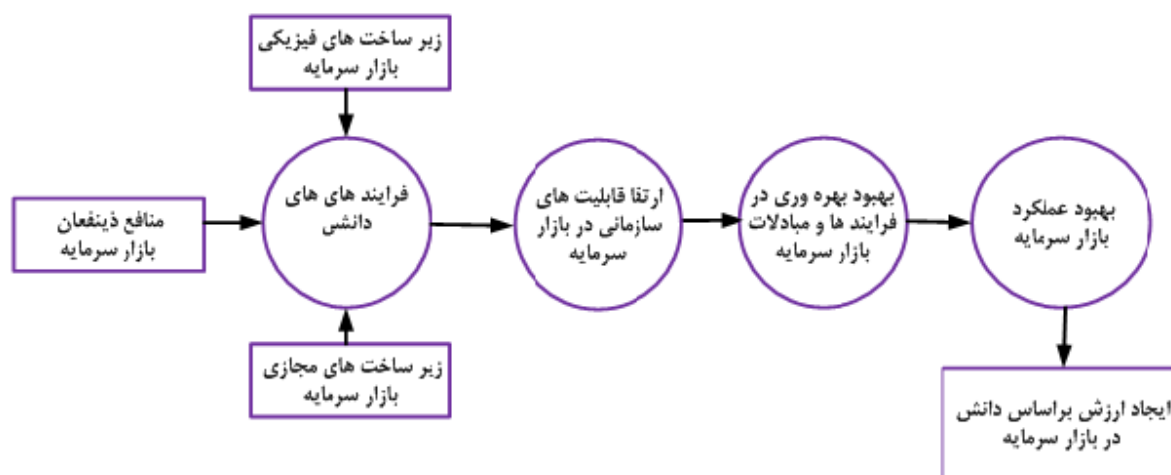
مدل زنجیره ارزش دانش در بازار سرمایه

مدل زنجیره ارزش دانش، ارتباطات بین مدیریت دانش و خلق ارزش در بازار سرمایه را به تصویر می کشد. فرایندهای دانشی و یادگیری باید در بهره گیری از دارایی های دانشی (منابع ذینفعان، زیرساختهای فیزیکی و زیرساخت های مجازی)، جریان پیدا کند. بنابراین، بهره وری





اثر بخشی و کارایی فرایندهای سازمانی منوط به مهارت بهره‌گیری از قابلیت‌های سازمانی بازار سرمایه است. ارتقای عملکرد کسب و کار بازار سرمایه در ازای دستیابی به فرایندهای بهره‌وری است و این بهبود عملکرد کسب و کارها است که ارتقا و خلق ارزش برای بازار سرمایه را به ارمغان می‌آورد. شکل ۳ مدل زنجیره ارزش دانش در بازار سرمایه را نشان می‌دهد.



شکل ۳. مدل زنجیره ارزش دانش در بازار سرمایه

فرایند پیشنهادی استقرار و پیاده سازی سیستم جامع مدیریت دانش جهت خلق ارزش در بازار سرمایه

سازمان باید دارایی‌های دانشی را حفظ و ارزش استراتژیک آنها را بیفزاید. لذا برای بهره‌گیری از دارایی‌های دانشی باید در ابتدا، دست به طراحی و پیاده سازی سیستم جامع مدیریت دانش زنند. یک سازمان هنگام پیاده سازی استراتژی دانشی خود در راه طراحی و پیاده سازی سیستم جامع مدیریت دانش باید در چهار فرایند اصلی درگیر شود:

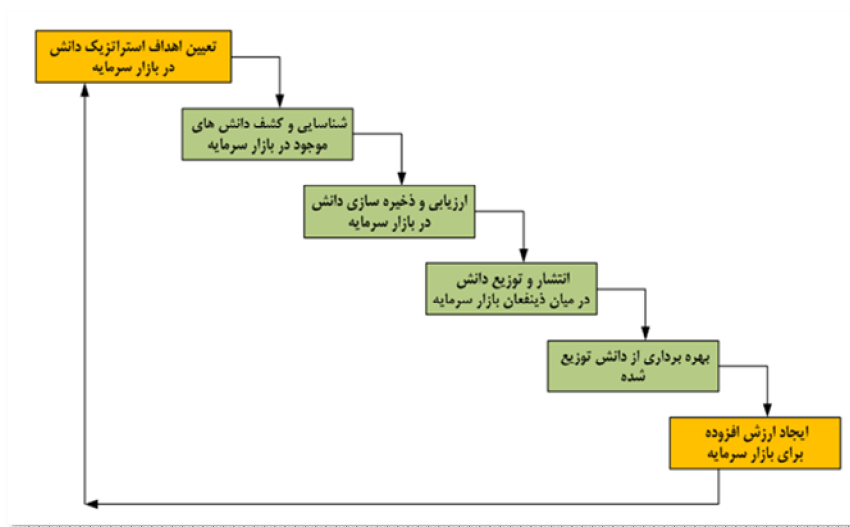
- ایجاد دانش (knowledge generation)
- ذخیره سازی دانش (knowledge storage)
- اشتراک گذاری دانش (knowledge sharing)
- کاربرد دانش (knowledge application)

فرایند ایجاد دانش دارای نقشی اساسی و بسیار پیچیده در سازمانهای دانش محور می باشد. خلق یا شناسایی دانش فرایندی فراگیر و مداوم است و شرکت ها را قادر می سازد که روابط متقابل را توسعه داده و از مهارتها و قابلیت‌های نیروی انسانی خود استفاده کنند. اهمیت فرایند ذخیره سازی دانش به توانایی نگهداری، ساختاردهی و توجیه دانش، چه ضمنی و چه صریح برمی گردد. فرایند اشتراک گذاری دانش با انتشار و





توزیع دانش بین اعضای سازمان مرتبط است. فعالیتهای اشتراک گذاری دانش بر پایه فرایندهای تعاملی انسانی و زیرساختهای تکنولوژی اطلاعات استوارند و نیاز به پشتیبانی توسط فرهنگ سازمانی دارند. در نهایت، فرایند کاربرد دانش راجع به بکارگیری و بهره برداری از دانشی است که قبلاً ایجاد، ذخیره و توزیع شده. در واقع سازمان ها از طریق این فرایند می توانند دانش در دسترس را با هدف دستیابی به اهداف در فعالیتهای روزانه خود به کار برند [14]. شکل ۴ فرایندهای درگیر در اجرای سیستم جامع مدیریت دانش در بازار سرمایه را به تصویر می کشد.



شکل ۴. فرایندهای درگیر در اجرای سیستم جامع مدیریت دانش در بازار سرمایه

از سیستم جامع مدیریت دانش در بازار سرمایه می توان دو مشخصه اصلی مدیریت دانش را استخراج کرد که مشخصه اول مربوط به ماهیت فرایندی مدیریت دانش (ایجاد، تسهیم، ذخیره سازی و کاربرد دانش) است و بعد دوم مدیریت دانش مربوط به هدفش است که جدا از ماهیت فرایندی خود، خلق ارزش برای بازار سرمایه را مورد هدف قرار داده است [15].

با توجه به مدل زنجیره ارزش دانش و دارایی های دانشی موجود در بازار سرمایه، متدولوژی پیشنهادی جهت استقرار سیستم جامع مدیریت دانش در بازار سرمایه بصورت زیر ارائه می شود. این سیستم جامع که متشکل از زیر سیستم های مربوطه است با رویکرد استراتژی محور، نقش مهمی را در خلق ارزش در بازار سرمایه دارد. هدف آن، بهینه سازی دانش در بازار سرمایه است که به اثر بخشی و بازدهی دارایی های دانشی و تجدید آنها به صورت مداوم می انجامد. مراحل تدوین این سیستم جامع شامل موارد زیر است:

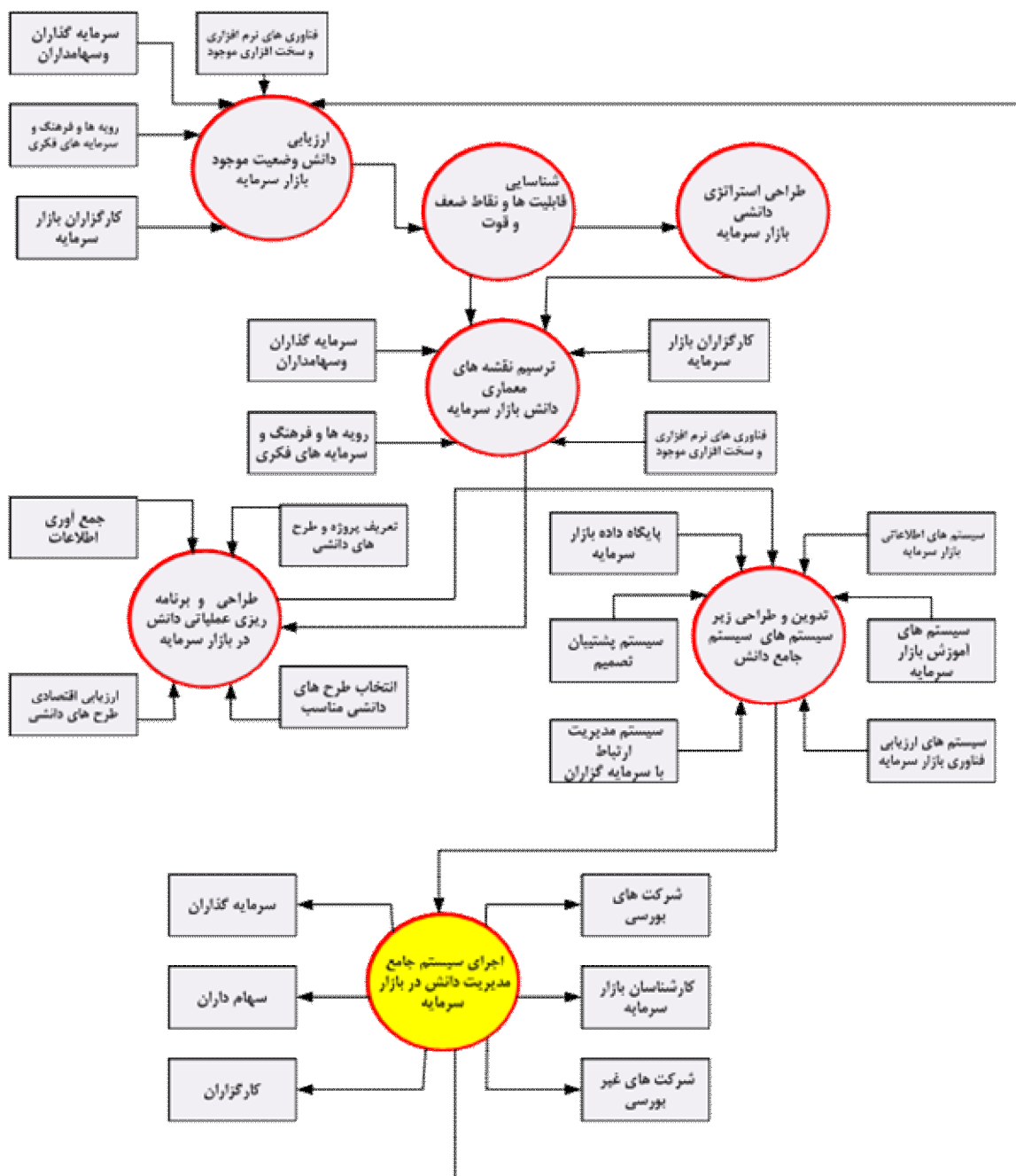




- ارزیابی دانش وضعیت موجود بازار سرمایه
- شناسایی قابلیت ها و نقاط ضعف و قوت
- طراحی استراتژی دانش برای تدوین سیستم جامع مدیریت دانش بازار سرمایه
- ترسیم نقشه های معماری دانش در بازار سرمایه
- طراحی و برنامه ریزی عملیاتی دانش در بازار سرمایه
- تدوین و طراحی زیر سیستم های سیستم جامع مدیریت دانش
- ادغام زیر سیستم ها و اجرای سیستم جامع مدیریت دانش
- ارزیابی عملکرد ارزش محور سیستم جامع مدیریت دانش بازار سرمایه
- بروز رسانی و اعمال تغییرات احتمالی برای ارتقا عملکرد های ارزش آفرین

شکل ۵ به صورت سیستماتیک نمای کلی از رویه استقرار سیستم جامع مدیریت دانش در بازار سرمایه ایران را به تصویر می کشد.





شکل ۵. متدولوژی پیشنهادی جهت استقرار سیستم جامع مدیریت دانش در بازار سرمایه





نتیجه گیری

با توجه به اهمیت بازار سرمایه و نقش محوری آن در اقتصاد کشور، توجه به ارتقا بهره وری و ایجاد ارزش در آن بسیار حائز اهمیت است. برای افزایش بهره وری و خلق ارزش در بازار سرمایه و اطمینان از ارائه مطلوب سهام و خدمات به سهام داران و سرمایه گذران کسب رضایت آنان و بهبود فرایند مبادلات سهام، لزوماً نیازمند استفاده از کارکرد های مهندسی ارزش هستیم و با توجه به اینکه مدیریت دانش به عنوان یکی از ابزار های مورد استفاده در مهندسی ارزش مطرح و جزء لاینفک مدیریت سرمایه گذاری در بازار سرمایه برای کارگزاران و سهام داران است. لذا در این مقاله تلاش شد تا با نشان دادن ارتباط مدیریت دانش با مدیریت دارایی های دانشی استراتژیک، نقش مدیریت دانش را در بهبود عملکرد فرایند ها در بازار سرمایه روشن، و در نهایت با استفاده از مدل زنجیره ارزش دانش، یک مکانیزم جهت استقرار و پیاده سازی سیستم جامع مدیریت دانش در بازار سرمایه ارائه شود تا گامی مهم در راستای ارتقا بهره وری و ایجاد ارزش در بازار سرمایه باشد.

فهرست منابع

- [1]. Norton B.R. & McEligott W.C., Value Management in Construction, Macmillan, 1995
- [2]. جیل عاملی، محمدسعید، قوامی فر، کامران، عبایی، جایگاه مهندسی ارزش در مدیریت پروژه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، 1383
- [3]. سایت موسسه مهندسی ارزش امریکا www.value-eng.org
- [4]. Turban.E, Mclean.E (2002), "Information technology for management", 3rd ed, John Wiley & Sons, Inc
- [5]. Ruggles, R. (1998) "The state of the notion: knowledge management in practice", California Management Review, Vol. 40, No. 3, pp.80-89.
- [6]. Wiig, K.M. (1997). "Integrating intellectual capital and knowledge management", Long Range Planning, June, Vol. 30, pp.399-405.
- [7]. Teece, D.J. (2000) "Strategies for managing knowledge assets: the role of firm structure and industrial context", Long Range Planning, Vol. 33, pp.35-54.
- [8]. Ruggles, R. (1998) "The state of the notion: knowledge management in practice", California Management Review, Vol. 40, No. 3, pp.80-89.
- [9]. Sveiby, K.E. (2001) "A knowledge based theory of the firm to guide strategy formulation", Journal of Intellectual Capital, Vol. 2, No. 4, pp.344-358.
- [10]. Stewart, T. (1997). "Intellectual capital: The New wealth of organizations". New York: Doubleday.
- [11]. Hertog, J Friso Den. Huizenga, Edward. (2000). "The knowledge enterprise: Impelementation of intelligent business strategies". Series on technology management. Vol-2.
- [12]. Wiig, K.M. (1997). "Integrating intellectual capital and knowledge management", Long Range Planning, June, Vol. 30, pp.399-405.
- [13]. Chong, C. W., Holden, T., Wilhelmij, P. and Schmidt, R. A. (2000). "Where Does Knowledge Management Add Value?". Journal of Intellectual Capital, Vol. 1, No. 4, pp. 366-383.
- [14]. Canzano, D., Grimaldi, M. 2004, "Knowledge management and collaborations: knowledge strategy and processes in the knowledge networks", Proceeding of I-KNOW 04 Graz, Austria, June 30-June 2, pp. 175-183.
- [15]. Carlucci, D. Marr, B. and Schiuma, G. (2004) "The knowledge value chain: how intellectual capital impacts on business performance", Int. J. Technology Management, Vol. 27, Nos. 6/7, pp.575-590.

